

نقش زنان در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار در جامعه با رویکرد اسلامی

زهرا عباسی^{*۱}

۱-استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zahraabasi51@yahoo.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۶/۲۶]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۴/۱۸]

چکیده

نقش زنان در پیشگیری از گسترش رفتارهای ناهنجار اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های بنیادین در ارتقاء سلامت فرهنگی و اخلاقی جامعه به‌شمار می‌آید. پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد نظری، تاریخی و کاربردی این نقش از منظر آموزه‌های دینی انجام شده و با روش کیفی و مروری-تحلیلی، به تحلیل منابع اسلامی، مطالعات پیشین و ارائه راهکارهای عملی پرداخته است. در ابتدا، مفهوم ناهنجاری اجتماعی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و دین‌شناسی تبیین شد. سپس با بررسی مبانی دینی و مفهومی مانند نقش زن در تربیت نسل، کارکرد اجتماعی زن و جایگاه زن در اسلام، ظرفیت‌های زنان در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تحلیل گردید. در بخش پیشینه، مطالعات داخلی و خارجی نشان دادند که تقویت باورهای دینی، حمایت‌های خانوادگی و حضور اجتماعی فعال زنان تأثیر معناداری در کاهش ناهنجاری‌هایی چون خشونت، اعتیاد، فروپاشی خانواده و بی‌هویتی جوانان دارد. همچنین، با بررسی نمونه‌های الگویی از تاریخ اسلام مانند حضرت زهرا علیها السلام، حضرت زینب علیها السلام و زنان متفکر معاصر، کنش‌گری مؤثر زن در مدیریت بحران‌های اخلاقی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت. در بخش پایانی، راهکارهایی در سه سطح تربیتی، فرهنگی و نهادی پیشنهاد شده است که می‌تواند به تقویت نقش زنان در مهار ناهنجاری‌های اجتماعی کمک کند. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که زن، در منظومه دینی، نه تنها عامل پایداری خانواده بلکه عنصر فعال تحول اجتماعی است؛ بنابراین، بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت‌های فکری، اخلاقی و تربیتی زنان، مسیری مؤثر در پیشگیری از گسترش آسیب‌های اجتماعی در جامعه خواهد بود.

واژگان کلیدی: زنان، ناهنجاری اجتماعی، خانواده و جامعه‌پذیری، تربیت دینی، مطالعات اسلامی.

۱- مقدمه

در عصر کنونی که جوامع بشری با گسترش فزاینده‌ی فناوری، جهانی‌شدن، تحولات اجتماعی و تنوع سبک‌های زندگی مواجه‌اند، موضوع سلامت اجتماعی و اخلاقی بیش از پیش به دغدغه‌ای اساسی برای نهادهای حاکمیتی، نخبگان فرهنگی و خانواده‌ها تبدیل شده است. در چنین شرایطی، افزایش رفتارهای ناهنجار در سطوح مختلف جامعه از جمله در میان نوجوانان و جوانان، هشدار جدی نسبت به تضعیف بنیان‌های اخلاقی، عاطفی و تربیتی جامعه به شمار می‌آید. این ناهنجاری‌ها که طیفی گسترده از رفتارهای پرخطر، قانون‌گریزی، نافرمانی مدنی، خشونت‌های خیابانی، اعتیاد، بی‌بندوباری اخلاقی و فروپاشی خانواده را شامل می‌شود، نه تنها تهدیدی برای امنیت فردی و اجتماعی محسوب می‌شود، بلکه فرایند رشد فرهنگی و هویت‌سازی نسل‌های آینده را نیز با چالش مواجه می‌سازد. در واکنش به این پدیده، رویکردهای متعددی در سیاست‌گذاری اجتماعی و تربیتی ارائه شده که برخی ماهیت تقلیل‌گرایانه، فنی و صرفاً بازدارنده دارند، در حالی که بخشی دیگر به دنبال اصلاح و تقویت بُعد فرهنگی و اخلاقی انسان به‌عنوان عامل درونی بازدارنده از ناهنجاری‌ها هستند. در این میان، آموزه‌های دینی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین و درعین‌حال پویاترین منابع تربیتی بشر، ظرفیت ویژه‌ای در تبیین علل، اشکال و راهکارهای مواجهه با رفتارهای ناهنجار دارند. ادیان توحیدی به‌ویژه اسلام، با تأکید بر کرامت انسان، عقلانیت اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مفاهیمی چون امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، عفت، کنترل غرایز و تقویت وجدان اخلاقی، نقش قابل توجهی در هدایت فرد و جامعه به سوی هنجارهای پایدار ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، نقش زنان در این مسیر، هم از منظر نظری و هم از منظر عملی، اهمیتی بنیادین دارد. در واقع، زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه و تأثیرگذار بر نیمه دیگر، جایگاهی بی‌بدیل در فرایند تربیت، نظارت اجتماعی، اصلاح‌گری و انتقال ارزش‌ها دارند. این نقش در آموزه‌های اسلامی نه تنها به رسمیت شناخته شده بلکه در قالب الگوهای همچون حضرت زهرا علیها السلام، حضرت زینب علیها السلام و زنان مجاهد صدر اسلام، نمونه‌هایی از مشارکت اجتماعی، هدایت‌گری و روشنگری دینی به چشم می‌خورد. چنین دیدگاهی، زن را از موجودی صرفاً مصرف‌کننده فرهنگی یا محدود به حوزه خانواده فراتر برده و او را به‌عنوان عاملی فعال در شکل‌دهی به فضای اخلاقی جامعه معرفی می‌کند. در شرایطی که برخی نگرش‌های مدرن در غرب، نقش اجتماعی زن را عمدتاً در چارچوب فردگرایی، آزادی‌های فردی بی‌قید و رهایی از هرگونه چارچوب اخلاقی تعریف کرده‌اند، نگرش دینی مبتنی بر کرامت، تعهد و مسئولیت اجتماعی، افق تازه‌ای برای بازتعریف حضور زن در جامعه ترسیم می‌کند. از این منظر، زن نه تنها عامل تربیت نسل آینده، بلکه حافظ هویت فرهنگی و دینی جامعه، مربی وجدان عمومی و عامل پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود (بانکی‌پور فرد، ۱۳۹۶).

بررسی میدانی و مطالعات اجتماعی نیز نشان می‌دهد که هرگاه زنان به‌عنوان مادران، مربیان، کنشگران فرهنگی و ناظران اجتماعی، از موقعیت فرهنگی و دینی خود آگاه بوده و توانسته‌اند نقش فعالی ایفا کنند، میزان انحرافات اجتماعی در نسل جوان کاهش یافته و ارزش‌های اخلاقی ثبات بیشتری یافته‌اند. به‌طور مثال، حضور زنان توانمند در نهادهای آموزش و پرورش، مراکز مشاوره، رسانه‌های دینی، هیئات مذهبی و تشکل‌های مردمی، نقش کلیدی در آموزش هنجارهای دینی، تقویت احساس مسئولیت جمعی و کاهش گرایش به ناهنجاری‌ها ایفا کرده‌اند. با این حال، در برخی جوامع اسلامی معاصر، علی‌رغم وجود مبانی نظری قوی در خصوص نقش زن در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، در عمل یا این ظرفیت نادیده گرفته شده، یا نگاه تقلیل‌گرایانه به نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی باعث شده است که مشارکت مؤثر آنان در مدیریت و کاهش آسیب‌ها محدود بماند. در چنین شرایطی، بازگشت به متون دینی، تحلیل عمیق نقش زن در جامعه اسلامی و ارائه الگوهای عملیاتی برای بهره‌گیری از توان تربیتی و نظارتی زنان در جامعه، ضرورتی دوچندان پیدا می‌کند (دانشی‌جو و بستانی، ۱۴۰۰؛ احمدوند و احمدی‌روزبه، ۱۳۹۶؛ بهمن‌پور و اکبری‌پور زنگلانی، ۱۳۹۹).

هدف از این پژوهش، نه صرفاً بیان جایگاه زن در اسلام یا گزارش آسیب‌های اجتماعی، بلکه ارائه تبیینی منسجم از پیوند میان نقش زن، آموزه‌های دینی و سلامت اجتماعی است؛ تبیینی که بتواند هم در حوزه پژوهشی، هم در سطوح سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی الهام‌بخش باشد. این پژوهش بر آن است تا ضمن استفاده از منابع معتبر دینی، مطالعات جامعه‌شناختی و تحقیقات روزآمد، گامی در

جهت احیای نقش واقعی و تمدن‌ساز زنان مسلمان در مدیریت اخلاقی جامعه بردارد. مسئله اصلی مقاله حاضر این است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، نقش زنان را در پیشگیری از گسترش رفتارهای ناهنجار در جامعه تقویت کرد؟ و با اتکا به آموزه‌های اسلامی، زنان چه نقش‌ها و کارکردهایی در پیشگیری از بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کنند؟ این دو پرسش از آنرو اهمیت دارند که ناهنجاری‌های اجتماعی پدیده‌ای پیچیده، چندعاملی و درهم‌تنیده است و بدون تحلیل نقش نهادهای بنیادین همچون خانواده و کنشگرانی چون زنان، نمی‌توان نسخه‌ای جامع برای کنترل و پیشگیری از آن ارائه کرد. به بیان دیگر، پژوهش حاضر در پی آن است تا با رویکردی تحلیلی مروری، به شناسایی ابعاد مفهومی، مبانی دینی، ظرفیت‌های اجتماعی و چالش‌های پیش روی نقش‌آفرینی زنان در حوزه سلامت اجتماعی پرداخته و الگویی مفهومی برای مشارکت فعال زنان در پیشگیری از انحرافات اجتماعی ارائه دهد. در زمینه نقش زنان در سلامت اجتماعی و پیشگیری از ناهنجاری‌های رفتاری در جامعه، مطالعات متعددی در سطح ملی و دانشگاهی صورت گرفته است. با این حال، ترکیب رویکرد دینی با نقش زنان در پیشگیری اجتماعی، همچنان از زوایای نوظهور پژوهشی محسوب می‌شود و جای بررسی‌های بیشتر دارد. مطالعات داخلی تاکنون بر جنبه‌هایی از نقش زنان در خانواده، تربیت نسل، ارتقاء اخلاق عمومی و سلامت روان تمرکز داشته‌اند. با این حال، ترکیب سه مؤلفه اصلی مقاله حاضر یعنی: پیشگیری از رفتارهای ناهنجار، رویکرد دینی منسجم، نقش اجتماعی و الگویی زنان، کمتر به صورت یک‌پارچه و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با درهم‌آمیختن تحلیل دینی، جامعه‌شناختی و الگوشناسی تاریخی، می‌کوشد تا خلأ موجود در مطالعات بین‌رشته‌ای این حوزه را پر کند. همچنین با وجود تفاوت‌های فرهنگی و معرفتی در جهان غرب و اسلام، پژوهش‌های متعددی در سطح بین‌المللی به بررسی نقش زنان در ارتقاء سلامت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های رفتاری پرداخته‌اند. این مطالعات اغلب در بستر مفاهیم جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، تربیت شهروندی و گاه دین‌پژوهی انجام شده‌اند. در ادبیات جهانی، زنان به‌ویژه مادران، به‌عنوان عاملان کلیدی در تربیت اخلاقی، تحکیم نهاد خانواده و پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی شناخته می‌شوند.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

مقاله حاضر به بررسی نقش زنان در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار اجتماعی از منظر دینی می‌پردازد و در این راستا، نیازمند تبیین روشن مفاهیمی چون «آسیب اجتماعی»، «رفتار ناهنجار»، «پیشگیری اجتماعی»، «نقش زنان» و «رویکرد دینی به سلامت اجتماعی» است. همچنین برای فهم بهتر رابطه میان این مفاهیم، چارچوب نظری متناسب با رویکرد پژوهش ترسیم می‌شود.

۲-۱- آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی به مجموعه‌ای از رفتارها و پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که موجب اختلال در نظم اجتماعی، تهدید امنیت روانی-اخلاقی جامعه و گسست پیوندهای انسانی می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۸۲). این آسیب‌ها شامل طیف گسترده‌ای از بزهکاری، طلاق، خشونت خانگی، اعتیاد، بی‌خانمانی، فساد اخلاقی، بحران هویت و فروپاشی ارزش‌ها هستند. از نگاه جامعه‌شناختی، این پدیده‌ها نه صرفاً فردی، بلکه پیامدهای ساختاری، فرهنگی و کارکردی جامعه‌اند (گیدنز، ۱۴۰۰).

۲-۲- مفهوم رفتار ناهنجار در جامعه

رفتار ناهنجار یا انحراف اجتماعی، از منظر جامعه‌شناسی به هر نوع رفتاری اطلاق می‌شود که با هنجارهای تثبیت‌شده اجتماعی در تعارض باشد و از سوی جامعه به‌عنوان عملی نامطلوب یا آسیب‌زا تلقی شود. این رفتارها بسته به ساختار فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه می‌تواند اشکال گوناگونی به خود بگیرد. در جوامع مدرن، رفتارهایی مانند مصرف مواد مخدر، ولنگاری اخلاقی، خشونت، جرم‌های سازمان‌یافته، اعتیاد به فضای مجازی، بی‌تفاوتی مدنی و... در زمره رفتارهای ناهنجار طبقه‌بندی می‌شوند (گیدنز، ۱۴۰۰).

از دیدگاه دینی، به‌ویژه در آموزه‌های اسلامی، رفتار ناهنجار علاوه بر آسیب اجتماعی، نوعی خروج از مسیر فطرت انسانی و قانون الهی تلقی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸). چنین رفتاری نه تنها فرد را از مسیر کمال بازمی‌دارد، بلکه سلامت اخلاقی و معنوی جامعه را تهدید می‌کند. در قرآن کریم، از رفتارهای ناهنجار با تعبیراتی همچون «فساد»، «ظلم»، «افساد فی الارض»، «فجور» و «جهل» یاد شده است. این دیدگاه، رفتار ناهنجار را نه فقط آسیب اجتماعی، بلکه نوعی بیماری روحی و انحراف از حقیقت انسانی می‌داند.

۲-۳- مفهوم پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف آن جلوگیری از بروز یا گسترش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، پیش از وقوع یا در مراحل اولیه آن است. این پیشگیری می‌تواند شامل آموزش، آگاه‌سازی، ارتقاء سرمایه اجتماعی، تحکیم بنیان خانواده، ایجاد نظام‌های حمایت اجتماعی و تقویت وجدان اخلاقی در افراد جامعه باشد (گیدنز، ۱۴۰۰). پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در ادبیات علمی معمولاً به سه سطح تقسیم می‌شود:

الف) پیشگیری اولیه: جلوگیری از بروز آسیب، از طریق آموزش، آگاهی، تقویت هویت فرهنگی-دینی و سرمایه‌گذاری بر خانواده و نهادهای تربیتی.

ب) پیشگیری ثانویه: مداخله در مراحل آغازین بروز انحراف.

ج) پیشگیری ثالث: بازتوانی افراد آسیب‌دیده و کاهش تبعات اجتماعی (فرانزروی، ۱۴۰۲).

در نگرش اسلامی، پیشگیری اجتماعی علاوه بر بعد رفتاری و ساختاری، بُعد معرفتی و معنوی نیز دارد. در اسلام، نه تنها اصلاح رفتار فردی اهمیت دارد، بلکه پیشگیری از فساد، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، شفاف‌سازی، موعظه، تربیت ایمانی و تقویت تقوا نیز از ارکان پیشگیری محسوب می‌شوند. قرآن کریم جامعه ایمانی را به نظارت بر یکدیگر «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ كَتَّوَّاصُوا بِالصَّبْرِ» (عصر، ۳) و جلوگیری از فساد «لَمْ أَفْلَأْ لَانَ لِبَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲) فراخوانده است. در نظام فکری اسلامی، پیشگیری صرفاً به نهادهای رسمی محدود نیست، بلکه یک مسئولیت عمومی است که همه افراد، به‌ویژه زنان، در تحقق آن مشارکت دارند.

نقش زنان در جوامع انسانی صرفاً به تربیت نسل یا فعالیت‌های خانوادگی محدود نمی‌شود، بلکه آنان نقشی اساسی در بازتولید فرهنگ، هدایت فکری نسل‌ها، گسترش ارزش‌ها و اصلاح انحرافات دارند. قرآن کریم در سوره تحریم آیه ۱۱ آسیه، همسر فرعون را الگویی برای «مؤمنان»-اعم از زن و مرد-معرفی می‌کند. این نگاه حاکی از آن است که الگو بودن زن صرفاً منحصر به حوزه‌های خصوصی و خانوادگی نیست، بلکه به عرصه‌های اجتماعی و حکمرانی نیز کشیده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰). در رویکردهای جامعه‌شناسی معاصر، زنان به‌عنوان ناظران فرهنگی، حاملان ارزش‌ها و عواملان تغییر اجتماعی شناخته می‌شوند. زنان می‌توانند از طریق مشارکت در نهادهای آموزشی، رسانه‌ها، تشکل‌های اجتماعی، فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی، تأثیر عمیقی بر ساختار اخلاقی جامعه بگذارند. از دیدگاه اسلامی نیز، زن در عین حفظ شأن و کرامت انسانی، دارای رسالت اجتماعی و فرهنگی است. در قرآن کریم، زنان مؤمن در کنار مردان مؤمن، در مسئولیت‌های اجتماعی سهیم دانسته شده‌اند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۱). این آیه نشان می‌دهد که زنان همچون مردان، نقش فعال در پیشگیری از ناهنجاری‌ها دارند و بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی را بر دوش می‌کشند. زنان، به‌ویژه در نقش مادری، می‌توانند اولین مدافعان هنجارهای دینی و تربیتی باشند. مادر آگاه، نخستین نهاد پیشگیری در مقابل انحراف فرزندان و خانواده است. همچنین زن می‌تواند در نقش مبلغ، مشاور، آموزگار، نویسنده یا فعال فرهنگی، در تقویت ساختارهای اخلاقی جامعه مؤثر باشد (بانکی‌پور فرد، ۱۳۹۷).

نهاد دین در اسلام دارای ابعاد چندگانه فردی، اجتماعی، سیاسی، روان‌شناختی و فرهنگی است. آموزه‌های دینی، هم‌زمان هم نظامی برای رشد فردی ارائه می‌دهند و هم مدلی برای اداره جامعه انسانی. اسلام به‌واسطه تعالیمی همچون تزکیه نفس، امر به معروف، احسان، عفت، وفاداری، عدالت، صبر و عقلا نیت اخلاقی، مجموعه‌ای از سازوکارهای درونی برای مهار ناهنجاری‌ها ایجاد می‌کند. در این میان، مشارکت زنان در فعال‌سازی نهاد دین و تحقق دستورات آن، سهمی تعیین‌کننده دارد. اگر زنان به‌درستی به آموزه‌های دینی مجهز شده و درک عمیق و کاربردی از مفاهیم اخلاقی و تربیتی اسلامی داشته باشند، می‌توانند به‌عنوان عاملان گسترش ارزش‌های الهی در جامعه عمل کنند.

در چارچوب نظری این پژوهش، سه محور اصلی در تعامل با یکدیگر تعریف می‌شوند:

- ✓ دین: منبع ارزش‌های اخلاقی، راهنمایی‌های تربیتی و اصول پیشگیری از انحراف
- ✓ زن: عامل انتقال‌دهنده و تحقق‌بخش آموزه‌های دینی در سطح خانواده و جامعه
- ✓ سلامت اجتماعی: پیامد مطلوب تعامل مثبت دین و زن در ساختار اجتماعی

در این چارچوب، زن نه صرفاً پیرو دین، بلکه کنشگری اجتماعی با توان تربیتی معرفی می‌شود که در صورت بهره‌گیری آگاهانه از آموزه‌های دینی، می‌تواند محیطی اخلاقی، امن و پیشگیرانه در برابر ناهنجاری‌ها بسازد. به عبارتی، زنان دین‌دار و آگاه، سرمایه‌ای برای سلامت روانی، تربیتی و اخلاقی جامعه‌اند. این چارچوب از نظریات تلفیقی در جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی خانواده و روان‌شناسی اجتماعی الهام گرفته و تلاش دارد نقش زن را از نگاهی منفعل و سنتی به جایگاهی فعال و بازدارنده ارتقا دهد (علاسوند، ۱۳۹۶). مطالعات انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که خانواده و به‌ویژه زنان نقش محوری در فرآیند پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دارند. رضایی (۱۴۰۱) در پژوهش، «نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» تأکید کرده که والدین، به‌ویژه مادران، نخستین سپر حمایتی در برابر انحرافات فرهنگی و اجتماعی نوجوانان‌اند. همچنین، بررسی‌های انجام‌شده در مقالاتی مانند «بررسی نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی نوجوانان» توسط صالحی و دهقانی (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که افزایش سطح آگاهی والدین، به‌طور مستقیم میزان آسیب‌پذیری نوجوانان را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، پژوهش‌های متعدد بر جایگاه تربیتی مادر تمرکز داشته‌اند. برای نمونه، شوشتری‌زاده و کرمی‌پور (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر جایگاه تربیت مادر در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان» نشان داده‌اند که کیفیت ارتباط مادر-فرزند می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتارهای پرخطر باشد. یافته‌های مشابهی در مقاله «نقش مادران در تربیت فرزندان برای کاهش آسیب‌های اجتماعی» توسط بامدی (۱۳۹۴) نیز تأکید می‌کند که حضور مادران در فرآیند تربیتی، نقشی بازدارنده در شکل‌گیری انحرافات رفتاری دارد.

علاوه بر بُعد تربیتی، مطالعات دیگری به نقش اجتماعی زنان اشاره دارند. به‌عنوان مثال، پژوهش «ارائه راهکارهای پیشگیری و کاهش آسیب در زنان آسیب‌دیده اجتماعی با تأکید بر آموزش» توسط نوروزی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که ارتقای سطح آموزش و آگاهی زنان، نقش قابل‌توجهی در کاهش بزهکاری و اعتیاد ایفا می‌کند. در همین راستا، باباخانی، بدیعی و پاکدامن ساوجی (۱۳۹۴) در پژوهشی به «نقش زنان دانشگاهی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خانواده» پرداخته و بیان می‌کند که حضور فعال زنان تحصیل‌کرده در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، با کاهش آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی همراه است. این یافته‌ها هم‌راستا با آموزه‌های اسلامی، نشان می‌دهد که زن به‌عنوان رکن اصلی خانواده و جامعه، می‌تواند در مقام یک عامل اصلاح‌گر، نقش بنیادینی در کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفا کند.

۳- روش‌شناسی

این مقاله با رویکرد کیفی و مروری-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری گردیده و شامل دو دسته منابع اصلی‌اند: متون اسلامی (قرآن، روایات، آثار مفسران و متفکران اسلامی مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری) و مطالعات علمی در حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و مطالعات زنان. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی صورت گرفت. در این فرایند، ابتدا مؤلفه‌های کلیدی نقش زنان در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی استخراج شد، سپس در حوزه‌های خانواده، اجتماع، رسانه و نهادهای فرهنگی دسته‌بندی گردید و در نهایت با نظریه‌های علمی معاصر تطبیق داده شد. برای افزایش اعتبار نتایج، از مثلث‌سازی داده‌ها (ترکیب آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی) و بازبینی متخصصان استفاده شده است. محدودیت پژوهش، نبود داده‌های میدانی و آماری گسترده در این حوزه است، هرچند چارچوب مفهومی ارائه‌شده می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات تجربی آینده باشد.

۴- یافته‌ها

۴-۱- آموزه‌های دینی درباره پیشگیری از ناهنجاری‌ها

در منظومه فکری اسلام، پیشگیری از ناهنجاری‌ها یکی از ارکان بنیادین نظام اخلاقی و اجتماعی محسوب می‌شود. ناهنجاری در این دیدگاه صرفاً یک اختلال رفتاری یا انحراف از هنجارهای عرفی نیست، بلکه نوعی خروج از مسیر فطرت انسانی و نظم الهی است که پیامدهای فردی و جمعی دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸). دین اسلام با تکیه بر وحی، عقلانیت، اخلاق و نظام تربیتی منسجم، سازوکارهایی دقیق برای جلوگیری از گسترش فساد و آسیب‌های اجتماعی ارائه کرده است. در این میان، جایگاه و نقش زن به‌عنوان کنشگر اجتماعی و تربیتی در این فرایند پیشگیرانه، نقشی کلیدی است. در فقه اسلامی، پیشگیری در قالب احکام وضعی و تکلیفی، بخشی از منظومه‌ی احکام است که با هدف جلوگیری از تحقق مفسده تشریح شده‌اند. از جمله‌ی این احکام می‌توان به مواردی چون «سدّ ذرایع» (بستن راه‌های منتهی به فساد)، «نفی سبیل» (جلوگیری از سلطه و انحراف) و «حفظ مصالح عامه» اشاره کرد. در اخلاق اسلامی نیز فضیلت‌هایی همچون عفت، تقوا، حیا، صداقت، مسئولیت‌پذیری و مروّت از عوامل بنیادی در پیشگیری از ناهنجاری‌ها محسوب می‌شوند.

پیشگیری در این چارچوب نه تنها در سطح رفتار فردی، بلکه در نهادهای اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های کلان نیز نقش دارد؛ بنابراین، زنان به‌مثابه عناصر کلیدی در ساختارهای خانوادگی، آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای، در خط مقدم پیشگیری قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشگیرانه در آموزه‌های اسلامی، فریضه‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» است که در آیات و روایات فراوانی بر آن تأکید شده است (بستان، ۱۳۹۸). این اصل که جایگاهی فراتر از یک توصیه اخلاقی دارد، از منظر فقهی، یکی از واجبات اجتماعی محسوب می‌شود که اجرای صحیح آن موجب سلامت روانی و اخلاقی جامعه می‌شود. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۱۰) این آیه تأکید می‌کند که شایستگی امت اسلامی در گرو اجرای این مسئولیت اجتماعی است. حضور زنان در تحقق این فریضه، چه در قالب تربیت درون‌خانگی و چه در قالب اصلاح‌گری اجتماعی، نقش مهمی در کنترل و پیشگیری از آسیب‌ها دارد. زنانی چون حضرت فاطمه علیها السلام و زینب کبری علیها السلام و دیگر پیشوایان دینی، الگوهای برجسته‌ی تحقق این آموزه هستند. آموزه‌های دینی به‌ویژه در قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، تأکید ویژه‌ای بر نقش تربیت در اصلاح و پیشگیری دارند. تربیت در اسلام، صرف انتقال معلومات نیست، بلکه فرآیندی چندلایه شامل تزکیه نفس، پرورش فطرت، تمرین اخلاق و تقویت عقلانیت دینی است (امینی، ۱۳۸۷). «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (بقره: ۱۲۹) این آیات رسالت پیامبران را در دو بُعد «تزکیه» و «تعلیم» توصیف می‌کنند که نشان از تقدم اصلاح اخلاقی و تربیتی بر آموزش صرف دارد. در این فرایند، مادران به‌عنوان مربیان اولیه، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فرزندان ایفا می‌کنند و می‌توانند زمینه بروز بسیاری از انحرافات را از بین ببرند یا کاهش دهند. در جامعه اسلامی، مسئولیت نظارت و اصلاح، منحصر به حاکم یا دستگاه‌های رسمی نیست، بلکه مشارکت همه‌ی اقشار به‌ویژه زنان در سطح

خانواده، محله، مدرسه و نهادهای اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. در اینجا، مفاهیمی چون «تواصی به حق»، «تواصی به صبر»، «نهی از منکر زبانی» و «کنترل غیررسمی» جایگاه می‌یابد. زن مسلمان می‌تواند از طریق آموزش فرزندان، تأثیرگذاری بر همسر، حضور در محیط‌های فرهنگی و رسانه‌ای و مشارکت در کنش‌های اجتماعی مانند کمپین‌های ضد اعتیاد، ضد خشونت، حمایت از حقوق کودکان و... در کاهش ناهنجاری‌ها مؤثر باشد.

در منظومه‌ی فقه حکومتی و آموزه‌های اجتماعی اسلام، زنان نه تنها نقش انفعالی یا تبعی ندارند، بلکه می‌توانند بخشی از راهکارهای ساختاری در مدیریت پیشگیرانه جامعه باشند (بانکی‌پور فرد، ۱۳۹۶). برای مثال، در سیره نبوی و علوی، زنان در امور تبلیغی، آموزش دینی، مشارکت اجتماعی و حتی مشاوره‌های سیاسی نقش آفرین بودند. این حضور، اگر در قالب دینی و با رعایت اصول اخلاقی صورت گیرد، به اصلاح فضای عمومی جامعه کمک می‌کند. اسلام، منشأ بسیاری از انحرافات را در ضعف تقوا، غفلت از حضور خداوند و تسلط هواهای نفسانی می‌داند. به همین دلیل، ایجاد معنویت فردی و تقویت ارتباط با خداوند، از مؤثرترین راه‌های درونی برای کنترل رفتار و پیشگیری از سقوط اخلاقی معرفی شده است. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵)، «وَمَنْ يَتَّقِ ۚ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق: ۲) در واقع زن مؤمنه‌ای که به تربیت فرزند معنوی، ایجاد فضای اخلاقی در خانه و مشارکت در ترویج عبادات و اعمال نیک اهتمام دارد، در واقع در خط مقدم پیشگیری فرهنگی قرار گرفته است.

۴-۲- الگوهای زنانه در تاریخ اسلام و نقش آن‌ها در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی

در تاریخ اسلام، زنان بسیاری حضور دارند که نه تنها در ساحت فردی و خانوادگی، بلکه در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی، منشأ تحول و پیشگیری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی بوده‌اند. این زنان، با تکیه بر ایمان، دانش و کنش اخلاقی، الگوهایی ماندگار برای جوامع اسلامی پدید آورده‌اند. در نگاه اسلامی، زن موجودی با هویت انسانی تمام‌عیار، کرامت ذاتی و ظرفیت کنشگری در حوزه‌های گوناگون است. این نگرش برخلاف بسیاری از تلقی‌های تقلیل‌گرایانه تاریخی، زن را نه صرفاً در نقش زیستی یا خانوادگی، بلکه به‌عنوان یک «فاعل تربیتی - اجتماعی» می‌بیند. منابع دینی شامل قرآن، سنت، سیره معصومان علیهم‌السلام و متون حکمی - اخلاقی اسلامی، گنجینه‌ای غنی از الگوهای زنانه‌ای هستند که در قالب‌هایی چون مربی صالح، مصلح اجتماعی، پاسدار ارزش‌ها و مشارکت‌گر فرهنگی تجلی یافته‌اند. قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با معرفی زنان نمونه، چارچوبی برای بازتعریف نقش زن در جامعه ارائه می‌دهند که می‌تواند الگویی کارآمد برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی باشد. تحلیل این شخصیت‌ها در سه سطح «تربیت»، «اصلاح اجتماعی» و «مقاومت فرهنگی» قابل بررسی است. در ادامه به برخی از برجسته‌ترین این نمونه‌ها می‌پردازیم:

خدیجه کبری علیها‌السلام نخستین زن مسلمان و همسر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که با بهره‌گیری از ثروت، خردمندی و پایداری‌اش، نه تنها نقش مادری و همسری را به عالی‌ترین شکل ایفا کرد، بلکه نقش فعال اقتصادی و حمایتی از نهضت اسلامی را بر عهده گرفت. حمایت بی‌دریغ او از پیامبر و دعوت اسلامی، مانعی در برابر استیلا و ترویج ظلم، فقر فرهنگی و انحراف دینی در جامعه جاهلی آن زمان بود. حضور او نشان می‌دهد که زن می‌تواند از درون خانه، با حمایت آگاهانه، عاملی مؤثر در اصلاح اجتماعی و پیشگیری از کژروی‌های ساختاری باشد. او نماد زنی است که نه تنها در محیط خانه نقش آفرین است، بلکه در صحنه اجتماعی نیز با عقلانیت، ایمان و سرمایه‌گذاری هدفمند در خدمت حقیقت قرار می‌گیرد. چنین الگویی، زنان را به ایفای نقش مؤثر در هدایت فرهنگی، اصلاح الگوهای مصرف، تقویت جنبش‌های فکری و اخلاقی سوق می‌دهد. از منظر جامعه‌شناسی خانواده، خدیجه کبری علیها‌السلام نماینده زنی است که در دل خانواده، نهاد دین را تقویت و تثبیت می‌کند و در عین حال دارای استقلال اقتصادی، بینش اجتماعی و قدرت تصمیم‌گیری است. نقش خدیجه کبری علیها‌السلام الگویی برای زنان فعال در عرصه کارآفرینی اجتماعی، حمایت از جنبش‌های فرهنگی و حضور هم‌زمان در خانواده و جامعه است (بستان، ۱۳۹۸).

حضرت زهرا علیها السلام با وجود عمر کوتاه خویش، نمونه‌ای بی‌نظیر از پیوند معرفت، معنویت و کنش اجتماعی را ارائه داد. پس از رحلت پیامبر، ایشان با ایراد خطبه فدکیه و موضع‌گیری‌های سیاسی-دینی خود در برابر انحراف از مسیر حقیقی اسلام، به‌عنوان زنی آگاه، روشنگر و پیش‌برنده‌ی گفتمان عدالت‌خواهی، نقش‌آفرینی کرد. تحلیل خطبه فدکیه نشان‌دهنده‌ی عقلانیت اجتماعی، آگاهی فقهی و قدرت کلامی اوست. تربیت فرزندانمانند امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام نشان‌دهنده‌ی توانایی او در بنیان‌گذاری نسلی هویت‌مند و مقاوم است که خود عامل مهمی در پیشگیری از تزلزل فرهنگی و اخلاقی جامعه به‌شمار می‌رود. گفتارهای ایشان در خطبه فدکیه، سبک زندگی در خانه و نقش مادری و همسری‌اش، هر یک حاوی پیام‌هایی تربیتی و پیشگیرانه نسبت به فساد، انحراف و بی‌عدالتی‌اند. حضور حضرت در خط مقدم مسائل اجتماعی و اخلاقی، بیانگر آن است که زن، حافظ و مروج ارزش‌ها در عرصه‌های مختلف جامعه است. چنین الگویی برای تقویت هویت دینی، هوش هیجانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعادل نقش‌ها در زن مسلمان اهمیت دارد.

حضرت زینب علیها السلام پس از واقعه کربلا، با شجاعت و تدبیر کم‌نظیر خود در خطبه‌های کوفه و شام، نهضت عاشورا را از تحریف نجات داد و روح حقیقت‌خواهی را در جان جامعه اسلامی دمید. نقش ایشان در روشنگری عمومی، مقابله با انحراف حکومت اموی و تقویت بُعد تربیتی و معنوی مردم، گواه آن است که زن مسلمان می‌تواند با ابزار آگاهی، گفتار حکیمانه و حضور فرهنگی مؤثر، عامل جلوگیری از سقوط اخلاقی و اجتماعی جوامع باشد. الگوی زینبی بر پایه‌ی رسالت رسانه‌ای و آگاهی‌بخشی دینی بنا شده که امروز نیز در شرایط افزایش ناهنجاری‌های فرهنگی و اطلاعاتی، اهمیت دوچندان دارد. در جامعه‌شناسی رسانه، زینب علیها السلام نمونه‌ای از «کنشگر فعال در عرصه انتقال ارزش‌ها» است. امروزه، زنان با الهام از چنین الگویی می‌توانند در عرصه رسانه‌های نوین، فضای مجازی، مطبوعات و آموزش عمومی، نقش پیشگیرانه‌ای نسبت به آسیب‌های هویتی، فکری و رفتاری نسل جوان ایفا کنند. زنانی که با قلم، آموزش، رسانه و تربیت، به هدایت و اصلاح جامعه می‌پردازند، در مسیر زینب‌گونه حرکت می‌کنند.

ام‌سلمه علیها السلام، یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، به دلیل جایگاه علمی و بینش اجتماعی‌اش، از مشاوران پیامبر در مقاطع مهم بود. پس از رحلت پیامبر، مواضع وی در دفاع از امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقش مهمی ایفا کرد. مشاوره‌های او با امام حسین علیه السلام و موضع‌گیری‌هایش در برابر ظلم، نشان‌دهنده درک عمیق دینی و مسئولیت اجتماعی او بود. مشی صحیح اسلامی او، تأثیر زیادی در هدایت فکری جامعه داشت. نقش تربیتی او در فرزندان و شاگردان، به‌ویژه دختران مسلمان، الگویی برای تربیت نسلی آگاه و مقاوم در برابر انحراف بود.

آسیه علیها السلام، همسر فرعون، در قرآن سوره تحریم، آیه ۱۱ به‌عنوان الگویی برای مؤمنان معرفی شده است: «وَضَرَبَ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ...» او با وجود زندگی در دربار ظلم، مسیر بندگی خدا را برگزید و با مقاومت در برابر فساد نظام سلطه، الگوی روشنی از شجاعت معنوی، اعتراض به انحراف و وفاداری به حق است. آسیه نماینده زنی است که در دل ساختار قدرت، با پابندی به اصول الهی، مقاومت و نهی از منکر را در عالی‌ترین سطح به نمایش می‌گذارد. از منظر جامعه‌شناسی دینی، آسیه نمونه‌ای از «مقاومت مؤمنانه» در محیط ناسالم اجتماعی است. این الگوسازی دینی نشان می‌دهد که حتی در محیط‌های آلوده به فساد، زن می‌تواند محور اصلاح و پیشگیری باشد. روان‌شناسان اجتماعی از چنین شخصیتی به‌عنوان الگویی برای «پایداری اخلاقی تحت فشار محیطی» یاد می‌کنند؛ مفهومی که در پیشگیری از انحرافات اجتماعی به‌ویژه در محیط‌های پرخطر کاربرد دارد (گیلیگان، ۱۳۹۶).

حضرت مریم علیها السلام در آیات متعددی از قرآن مورد ستایش قرار گرفته و اوج کمال زنانه در تقوا، عفاف و عبادت معرفی شده است. سوره مریم و سوره آل‌عمران بخشی از این روایت الهی‌اند. او نه تنها نماد پاکی فردی و عفت است، بلکه با ایستادگی در برابر قضاوت‌های

اجتماعی و دفاع از پاکدامنی خود، الگویی برای مقاومت در برابر فشارهای فرهنگی و انحرافات اجتماعی محسوب می‌شود. ویژگی‌های برجسته مریم علیها السلام از جمله عفاف، عبادت، استقلال معنوی و نقش در تربیت فرزند الهی (حضرت عیسی)، شاخص‌هایی مهم برای تبیین نقش زنان در کاهش فساد اخلاقی، ترویج فضایل انسانی و مقابله با فرهنگ ناهنجار جنسی در جامعه‌ی معاصر است. عفاف که در قرآن از ویژگی‌های اصلی اوست (تحریم: ۱۲؛ آل عمران: ۴۲)، در جامعه مدرن نیز به‌عنوان ابزار پیشگیری از بحران‌های جنسی و هویتی در نسل جوان مطرح می‌شود.

اسماء بنت عمیس وی از اولین زنان و افرادی است که دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را لبیک گفتند و از زنان صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله و راوی حدیث محسوب می‌شود. جایگاه او بسیار بالاست که پیامبر صلی الله علیه و آله او را از جمله زنان بهشتی خواندند. وی جزو زنانی بود از زمان صدر اسلام مشغول تبلیغ معارف اسلامی و دفاع از اهل بیت علیهم السلام بود. او هم‌نشین اهل بیت بوده و در طول عمر خود فرزندان تربیت کرده که همگی از مریدان و مدافعان اسلام و اهل بیت علیهم السلام بودند. وی در زمان زندگی در حبشه سختی‌های بسیاری تحمل کرد اما دست از مجاهدت و تبلیغ معارف اسلام نکشید و زمانی هم که به مدینه بازگشتند تا پایان عمر مشغول همین امر بود. او با وجود این همسر خلیفه اول نیز بود در زمان خلافت او، وی را مورد موعظه قرار می‌داد که حق اهل بیت علیهم السلام را ادا کند. از او می‌توان به‌عنوان الگویی تسلیم نشدنی در مراحل سخت زندگی در دفاع از حق و حقیقت و تربیت نسل ولایی یاد کرد.

بنت الهدی صدر فرزند علامه سیدحیدر صدر و خواهر شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر بود. او تحصیلات خود را در زمینه ادبیات، اصول فقه و تفسیر در نجف اشرف فرا گرفت و به درجه اجتهاد نائل آمد. او با علم و قلم خود پرچمدار حرکت اسلامی زنان در عراق شد و برای هدایت و پیشرفت آنان بسیار مجاهدت نمود. او بانی و مؤسس مدارس دخترانه الزهرا در بغداد، نجف، کاظمین، بصره، دیوانیه و حله بود. هدف او از احداث این مدرسه‌ها، تربیت دختران به شیوه اسلامی بود که در مدرسه‌های دولتی عراق چنین چیزی دیده نمی‌شد. او با سخنرانی‌های بسیار و تألیف کتب متعدد باعث ترویج حجاب و بالا رفتن دیدگاه جامعه درباره زن و اسلام شد و در نهایت پس از مجاهدت‌های بسیار توسط رژیم بعثی به شهادت رسید. او یک نمونه معاصر محسوب می‌شود که زینب‌وار برای بالا بردن پرچم اسلام و جایگاه زنان و تبلیغ معارف اسلامی کوشید.

بانو مجتهده امین عارف، فقیه و مفسر قرآن و مجتهده معاصر است. این بانوی اندیشمند و عارف با پشتکار و تلاشی بی‌نظیر به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان می‌پردازد و با وجود مشکلات متعددی که در فضای حاکم بر آن زمان بود در سن چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید علماء و مراجع تقلید وقت قرار گرفته و به دریافت درجه اجتهاد و روایت نائل می‌گردد. ایشان با تأسیس حوزه علمیه مکتب حضرت فاطمه علیها السلام حدود ۱۰۰۰ شاگرد را جذب نمود و تحصیل علوم اسلامی را بین زنان رواج دادند؛ همچنین با تأسیس مدارس اسلامی دخترانه باعث عدم جلوگیری خانواده‌های مذهبی از تحصیل دختران شد. ایشان تا آخر عمر شریف خود به تألیف کتاب‌های مختلف، تدریس و پاسخگویی به پرسش‌های دینی مردم و ارشاد زنان می‌پرداخت؛ و نمونه‌ای معاصر از زنان نمونه و طراز اسلام و انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند.

مرضیه حدیدچی دباغ مبارز سیاسی، فرمانده سپاه پاسداران همدان، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران و عضو هیئت حامل نامه امام خمینی رحمته الله علیه به گورباچف بود. او در تهران مقدمات درس‌های حوزوی را فراگرفت و در ادامه درس‌های فقه، اصول و اخلاق را آموخت و دروس پایین‌تر را تدریس کرد. او پس از درگذشت سیدحسین بروجردی و آغاز نهضت روحانیون، با امام خمینی رحمته الله علیه آشنا شد. وی پایگاه‌های فعالیت زیادی در کشور ایجاد کرد و فعالیت‌های او که تحت نظر ساواک بود، در سال ۱۳۵۲ منجر به دستگیری، شکنجه و زندان او شد. او در برپایی یک اردوگاه نظامی در سوریه برای آموزش چریک‌های ضد شاه ایرانی مشارکت داشت و توانست

نسل جوانی از ایرانیان مبارز را با تاکتیک‌های شبه‌نظامی آشنا کند. وی نخستین و تنها محافظ زن امام خمینی علیه السلام است؛ که در زمان اقامت امام در پاریس با توجه به آموزش‌هایی که دیده بود، محافظ شخصی او شد و نیز وظایف اندرونی بیت او از جمله خرید، شستشو و امور منزل را نیز برعهده داشت. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی مأمور تشکیل سپاه غرب کشور شد و اولین و آخرین زن فرمانده سپاه همدان بود. ایشان نشان داد که زن مسلمان می‌تواند در موقعیت‌های بحرانی اجتماعی، از ایمان خود در راستای مقابله با ظلم و فساد بهره‌برداری کند.

طوبی کرمانی دبیر کل اتحادیه جهانی زنان مسلمان مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، استاد فلسفه دانشگاه تهران، عضو هیئت علمی ایران در یونسکو و اولین زن دکترای فلسفه در ایران و فوق دکترای فلسفه تطبیقی و کلام از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و همچنین اولین رایزن فرهنگی زن جمهوری اسلامی و اولین بانوی رایزن علمی جمهوری اسلامی ایران در یونان بود. ایشان از چهره‌های برجسته و فعال مرتبط با محافل علمی و فرهنگی جهان اسلام و فعالیت‌های وحدت‌آفرین بود و ارتباطات گسترده‌ای با بانوان اندیشمند تأثیرگذار در جهان اسلام برقرار کرد که ثمره آن تشکیل جلسات و حضور تأثیرگذار و خدمات ماندگار در مجامع بین‌المللی و داخلی و ده‌ها اثر ارزشمند در قالب تألیف، تحقیق، سخنرانی‌های علمی و مقالات بود. او برای زنان نقش تمدن‌سازی قائل بود و می‌گفت زنان وقتی در جایگاه والای خود قرار بگیرند، نقش مهمی در هدایت‌گری و تعالی خانواده، تمدن‌سازی توحیدی، مقابله با جریان‌های تکفیری و مقابله با خشونت خواهند داشت. او سال‌ها در کسوت استاد دانشگاه به تربیت شاگردان مؤثر و اندیشمند پرداخت و عمر خود را در راه خدمت به اسلام و مسلمین و مسیر جهاد و وحدت سپری کرد. از ایشان می‌توان به‌عنوان یک الگوی زن مسلمان موفق در زمینه‌های علمی، فرهنگی و بین‌المللی یاد کرد.

ویژگی مشترک تمام این زنان در تاریخ دینی، ترکیب **ایمان، عقلانیت و مسئولیت اجتماعی** در سلوک آنان است. آن‌ها نه صرفاً موجوداتی منفعل که کنش‌گرانی فعال در مسیر جلوگیری از انحطاط اخلاقی، بی‌عدالتی اجتماعی و بحران‌های هویتی جامعه بودند. در نگرش اسلامی، زن اگرچه از لحاظ وظایف و موقعیت‌های طبیعی تفاوت‌هایی با مرد دارد، اما از نظر ظرفیت تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی، نه تنها کمتر نیست، بلکه در حوزه‌هایی مانند تربیت، انتقال ارزش و تثبیت هویت دینی، نقشی بنیادین دارد. الگوهای زنانه در قرآن و سنت، نه نمادهای صرف معنویت منفعلانه، بلکه نمایندگان زنانی فعال، متعهد، آگاه و اثرگذار در سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی‌اند. این تحلیل نشان می‌دهد که یکی از مؤثرترین راهبردهای پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی در جهان اسلام، **احیای هویت دینی زنان**، **بازشناسی الگوهای تاریخی و تقویت نقش‌آفرینی** آنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی است. بازخوانی چنین الگوهایی نه تنها پاسخی است به بحران‌های فرهنگی امروز، بلکه راهی برای احیای کارکرد اجتماعی دین و بازسازی اخلاق در جامعه معاصر نیز به شمار می‌رود.

۴-۳- نقش زنان در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

در جوامع انسانی، زنان از دیرباز نقشی فراتر از ایفای مسئولیت‌های خانوادگی داشته‌اند. آن‌ها نه تنها عاملان اصلی تربیت نسل آینده‌اند، بلکه به‌عنوان کنشگران اجتماعی، توانایی تأثیرگذاری چشم‌گیری در پیشگیری از بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی دارند. این نقش، از یک‌سو ریشه در ساختارهای فرهنگی و دینی دارد و از سوی دیگر، به‌واسطه جایگاه روزافزون زنان در عرصه‌های آموزشی، رسانه‌ای، مدیریتی و مدنی، در حال تقویت و بازتعریف است. بهره‌گیری آگاهانه از ظرفیت اجتماعی زنان می‌تواند به کاهش نرخ بزهکاری، انحرافات رفتاری، ناهنجاری‌های فرهنگی و تزلزل‌های هویتی در نسل جوان کمک کند.

در نظریات جامعه‌شناسی، زنان به‌عنوان عاملان اجتماعی ساز و حافظان ارزش‌ها شناخته می‌شوند. امیل دورکیم، از پیشگامان جامعه‌شناسی مدرن، تأکید می‌کند که جامعه برای پایداری، نیازمند نیروهایی است که درونی‌سازی هنجارها را تسهیل کنند (دورکیم، ۱۳۹۴). نقشی که در فرهنگ‌های مختلف، اغلب توسط زنان ایفا شده است، حضور زنان در عرصه‌های آموزشی، فعالیت‌های مدنی، کار داوطلبانه و نهادهای حمایتی همچون سازمان‌های مردم‌نهاد، آنان را به عاملان اصلی ارتقاء سلامت اجتماعی و کاهش رفتارهای پرخطر تبدیل کرده است. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، زنان به دلیل گرایش به همدلی، مراقبت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا، توانایی بیشتری در شناسایی، مداخله و پیشگیری از آسیب‌ها دارند. مطالعات نشان می‌دهد که مشارکت زنان در فعالیت‌های محله‌محور و حمایتی، تأثیر بسزایی در کاهش بزهکاری نوجوانان، اعتیاد، خشونت خانگی و آسیب‌های روانی دارد (فرانزوی، ۱۴۰۲).

یکی از شاخص‌های مهم پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، ارتقاء سطح آگاهی عمومی درباره این آسیب‌هاست (فرانزوی، ۱۴۰۲). زنان، به‌ویژه مادران، معلمان و کنشگران فرهنگی، در خط مقدم این حوزه قرار دارند. زنان تحصیل‌کرده‌ای که در حوزه‌های تعلیم و تربیت، مشاوره، علوم اجتماعی و روان‌شناسی فعالیت می‌کنند، می‌توانند از طریق طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها و نوجوانان، در تبیین آسیب‌ها، علل، نشانه‌ها و راهکارهای مقابله مؤثر ظاهر شوند. از دیدگاه تعلیم و تربیت، زنان به‌ویژه در دوران پیش‌دبستانی و دبستان، نقش اصلی در پایه‌گذاری ارزش‌های اخلاقی، کنترل هیجان، تنظیم رفتار، پرورش هویت فرهنگی و ملی و تقویت خودکارآمدی در کودکان دارند. این سرمایه‌گذاری تربیتی، اگر به‌درستی هدایت شود، زمینه را برای شکل‌گیری نسل سالم، مسئول و قانون‌پذیر فراهم می‌سازد (کرین، ۱۴۰۰).

با توجه به تأثیر رسانه‌ها بر سبک زندگی، هنجارهای رفتاری و الگوهای ارزشی، حضور زنان در عرصه رسانه نقش تعیین‌کننده‌ای در مهار و کاهش ناهنجاری‌ها دارد. زنان خبرنگار، نویسنده، بازیگر، کارگردان، برنامه‌ساز و تحلیل‌گر اجتماعی می‌توانند با پرداختن هوشمندانه به مسائل آسیب‌زا، بازنمایی درست نقش‌های زن و مرد، ترویج سبک زندگی سالم و نقد خرده‌فرهنگ‌های انحرافی، مخاطبان را نسبت به خطرات ناهنجاری‌ها آگاه سازند. بر اساس یافته‌های جامعه‌شناسان فرهنگی، رسانه‌ها در عصر مدرن نقشی معادل با «مدرسه دوم» دارند؛ و از آنجا که بسیاری از رسانه‌ها از منظر محتوایی، زنان را تنها در چارچوب‌های مصرفی، زیبایی‌محور یا حاشیه‌ای بازنمایی می‌کنند، کنش‌گری آگاهانه زنان فرهیخته می‌تواند این کلیشه‌ها را شکسته و به بازتعریف جایگاه زن در جامعه کمک کند. زنانی چون حضرت زینب علیها السلام، حضرت زهرا علیها السلام، خدیجه کبری علیها السلام، آسیه، مریم علیها السلام و بسیاری از زنان مسلمان موفق، در فرهنگ دینی ما، نماد مقاومت، علم، ایمان، عقلانیت و کرامت‌اند. بازنمایی چنین الگوهایی در فضای رسانه، عامل مهمی در مقابله با سلطه الگوهای منحرف و مصرف‌گرای غربی خواهد بود. همچنین حضور زنان در سطوح تصمیم‌سازی، به‌ویژه در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، می‌تواند بسترهای ساختاری را برای پیشگیری از آسیب‌ها فراهم آورد. زنان فعال در شوراهای شهر، مجلس، کمیسیون‌های فرهنگی و اجتماعی و وزارتخانه‌ها، می‌توانند با ارائه طرح‌های حمایتی از خانواده، کودکان، زنان در معرض خطر و اقشار آسیب‌پذیر، زمینه‌سازی برای عدالت اجتماعی، ارتقاء خدمات روان‌شناختی و فرهنگی و آموزش عمومی را تسهیل کنند.

یکی از جنبه‌های کمتر دیده‌شده ولی بسیار مؤثر، شبکه‌های غیررسمی زنانه است که در قالب جمع‌های محلی، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های همیاری، کلاس‌های فرهنگی، فعالیت‌های خیریه و جلسات آموزشی خانوادگی شکل می‌گیرند. این شبکه‌ها، به‌دلیل انسجام اجتماعی بالا، روابط عاطفی عمیق و نوعی اعتماد دوسویه، می‌توانند در شناسایی اولیه نشانه‌های آسیب، مداخله نرم، ایجاد هنجارهای اجتماعی سالم و حتی بازپروری افراد در معرض آسیب مؤثر باشند. برخی روان‌شناسان اجتماعی از این شبکه‌ها با عنوان «سرمایه اجتماعی زنانه» یاد می‌کنند؛ سرمایه‌ای که برخلاف سرمایه اقتصادی، در روابط انسانی و اجتماعی ریشه دارد و از طریق آن، زنان می‌توانند به‌صورت افقی (درون جامعه) و عمودی (بین جامعه و نهادها) اثرگذار باشند.

۴-۴- نقش زنان در تقویت خانواده و تربیت نسل

خانواده، نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است که در آن شخصیت و ارزش‌های بنیادین فرد شکل می‌گیرد. در این نهاد، زنان و به‌ویژه مادران، نقشی کلیدی در تربیت نسل جدید و درونی‌سازی هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی دارند. جایگاه زن در خانواده نه تنها نقش زیستی و عاطفی دارد، بلکه ابعاد گسترده تربیتی، فرهنگی و روانی را نیز دربر می‌گیرد. تحقیقات روان‌شناسی رشد، جامعه‌شناسی خانواده و تعلیم و تربیت همگی بر این نکته تأکید دارند که مادران نقش بی‌بدیلی در کاهش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از طریق تربیت سالم، نظارت مؤثر، آموزش مهارت‌های زندگی و شکل‌دهی به هویت اجتماعی کودکان ایفا می‌کنند. خانواده در نگاه اسلامی، مهم‌ترین نهاد اجتماعی و تربیتی است و زن ستون اصلی آن به شمار می‌رود. زن به‌عنوان عمود خانه، اگر صالح باشد، صلاح خانواده را تضمین می‌کند. از آنجاکه بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی ریشه در ناهنجاری‌های خانوادگی دارند، زنان با ایفای نقش صحیح در خانواده، می‌توانند کانون‌های مستعد بزهکاری را پیشاپیش اصلاح کنند. در نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک مانند دیدگاه پارسونز، خانواده به‌عنوان نهادی تعریف می‌شود که وظیفه «جامعه‌پذیرسازی اولیه» را بر عهده دارد. این فرآیند، شامل انتقال ارزش‌ها، هنجارها، انتظارات اجتماعی و نقش‌های فرهنگی به کودک است. در این میان، مادران نقش مستقیم‌تری در آموزش این هنجارها ایفا می‌کنند، چراکه معمولاً رابطه عمیق‌تری با فرزندان در مراحل اولیه رشد دارند. در صورت اختلال در عملکرد خانواده، به‌ویژه در تربیت عاطفی و اخلاقی کودک، زمینه برای بروز انواع ناهنجاری‌ها چون پرخاشگری، دروغ‌گویی، ناسازگاری اجتماعی و بی‌تفاوتی نسبت به قانون و ارزش‌های فرهنگی فراهم می‌شود؛ بنابراین، تقویت نقش زنان در خانواده، مستقیماً به تقویت سلامت اجتماعی منجر می‌شود (یستان، ۱۳۹۸).

مطالعات روان‌شناسی رشد، از جمله نظریات جان بالبی^۱ (نظریه دل‌بستگی) و اریک اریکسون^۲ (مراحل رشد روانی-اجتماعی)، تأکید دارند که رابطه عاطفی مادر-کودک پایه‌گذار اعتماد، امنیت روانی و انسجام هویتی در کودک است. کودکانی که در دوران خردسالی از امنیت دل‌بستگی برخوردارند، در بزرگسالی نیز تمایل کمتری به رفتارهای پرخطر، بزهکاری، یا گرایش‌های ضداجتماعی دارند. نقش مادر در انتقال محبت، آموزش هیجانی، تقویت تاب‌آوری، آموزش سبک حل مسئله و ایجاد انسجام درونی، عاملی حیاتی در پیشگیری از انحرافات رفتاری در سنین نوجوانی و جوانی است. مادر آگاه، نه تنها الگوی رفتاری برای فرزند است، بلکه با ایجاد محیطی امن و حمایت‌گر، به او در عبور از بحران‌های تحولی کمک می‌کند (کرین، ۱۴۰۰). در چارچوب آموزه‌های اسلامی، مادر نقشی اساسی در انتقال ایمان، معنویت و اخلاق به فرزندان دارد. قرآن کریم با اشاره به نقش والدین در «تربیت حسنه» (لقمان: ۱۳-۱۹) و «دعوت به صراط مستقیم» از نقش محوری آنان در سلامت دینی نسل‌ها سخن می‌گوید. زن مسلمان، به‌ویژه اگر با تعالیم دینی آشنا باشد، از طریق گفتار، عمل و رفتار، می‌تواند الگوی دین‌داری فعال، مسئولانه و غیرتحمیلی برای فرزندان خود ارائه کند. نقش تربیتی زنان در انتقال مفاهیمی چون تقوا، مسئولیت‌پذیری، صداقت، پرهیز از گناه، رعایت حقوق دیگران، احترام به قوانین و نظم اجتماعی، باعث درونی‌سازی هنجارها و شکل‌گیری وجدان اخلاقی در کودک می‌شود. کودکانی که وجدان اخلاقی قوی دارند، کمتر دچار رفتارهای انحرافی یا آسیب‌زا در آینده می‌شوند.

نقش مادر در انتقال ارزش‌ها، هنجارهای دینی، اخلاق و هویت، بر کسی پوشیده نیست. تربیت صحیح کودکان در خانواده، عامل کلیدی در کاهش آسیب‌های اجتماعی چون خشونت، اعتیاد، طلاق، فساد جنسی و بزهکاری نوجوانان است. حضرت زهرا علیها السلام در خانه علی علیه السلام و در تربیت فرزندان چون امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام، الگوی کامل تربیت دینی، محبت‌محور و عزتمدار است. در منابع دینی، مادر نه تنها مسئول آموزش مفاهیم اخلاقی است، بلکه نخستین مروج فرهنگ بندگی، مسئولیت‌پذیری، عفت و غیرت محسوب

1 John Bowlby

2 Erik H. Erikson

می‌شود. هویت دینی که شامل باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و احساس تعلق به دین است، غالباً در محیط خانواده شکل می‌گیرد و زنان به‌عنوان پرورش‌دهندگان اصلی این هویت، مسئولیتی خطیر دارند. ایجاد ارتباط عاطفی، پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، الگودهی رفتاری، اقامه مناسک دینی در خانه (نماز، روزه، دعا)، همگی ابزارهای مهم تربیتی هستند. در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است: «وَأَمَّا حَقُّ أُمِّكَ، فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ... وَ أَنَّهَا وَفَّتَكَ بِسَمْعِهَا وَ بَصَرِهَا وَ يَدِهَا وَ رِجْلِهَا وَ شَعْرَهَا وَ بَشْرَهَا وَ جَمِيعَ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً...» در این روایت، علاوه بر فداکاری‌های جسمی، به نوعی حضور مادر به‌عنوان «محیط» رشد کودک اشاره شده است (عقیل، ۱۳۹۸).

از منظر روان‌شناسی کاربردی و آموزش‌وپرورش، مهارت‌های زندگی مجموعه‌ای از توانمندی‌هایی هستند که فرد را برای مقابله با چالش‌ها و فشارهای زندگی آماده می‌سازند. زنانی که در خانواده نقش مربی، مشاور و ناظر تربیتی دارند، قادرند مهارت‌هایی چون خودآگاهی، همدلی، ارتباط مؤثر، حل مسئله، تفکر انتقادی، کنترل هیجان و تصمیم‌گیری سالم را به فرزندان خود آموزش دهند. در برنامه‌های آموزش خانواده که در کشورهایی چون سوئد، کانادا و ایران اجرا شده، مشخص گردیده که مادران آموزش‌دیده در زمینه مهارت‌های زندگی، فرزندان مقاوم‌تری در برابر فشار گروه همسالان، مصرف مواد، خشونت، و انحرافات اجتماعی تربیت می‌کنند (رایسون و مک‌کورمیک، ۱۳۹۵).

سلامت روانی خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل محافظت در برابر آسیب‌های اجتماعی است. زنان معمولاً نقش فعال‌تری در حفظ فضای عاطفی خانواده، کاهش تنش‌های درون‌خانوادگی، میانجی‌گری میان اعضا و مدیریت بحران‌های خانوادگی دارند. زنانی که از هوش هیجانی بالا، ثبات روانی و مهارت‌های ارتباطی برخوردارند، محیط خانواده را به بستری امن و حمایتگر تبدیل می‌کنند. در روان‌شناسی خانواده، تأکید بر تاب‌آوری خانواده به‌عنوان یک متغیر کلیدی در کاهش آسیب‌های اجتماعی است. مادرانی که به‌ویژه در خانواده‌های کم‌برخوردار یا دچار بحران، نقش فعالی ایفا می‌کنند، عامل ثبات و بازسازی روانی ساختار خانواده‌اند (ملکی، ۱۴۰۰). دوران نوجوانی، یکی از حساس‌ترین مراحل رشد روانی-اجتماعی است که نوجوان بیش از هر زمان دیگری در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی، انحرافات رفتاری، بحران هویت و گرایش به گروه‌های پرخطر قرار دارد. (کرین، ۱۴۰۰) مادر آگاه، در این دوره باید به‌عنوان یک مربی همدل، شنونده خوب، مشاور دلسوز و ناظر دقیق ایفای نقش کند. روان‌شناسان تحولی مانند لورنس کلبرگ^۱ و جیمز مارشیا^۲، بر اهمیت حمایت خانوادگی در گذار نوجوان از بحران هویت و شکل‌گیری ارزش‌های پایدار تأکید دارند (ملکی، ۱۴۰۰). زنانی که در این مرحله بتوانند اعتماد، استقلال تدریجی و گفت‌وگوی مؤثر را با فرزند برقرار سازند، نقش بسیار مهمی در پیشگیری از آسیب‌های پرخطر نوجوانی ایفا می‌کنند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با تمرکز بر آموزه‌های دینی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و تربیتی به بررسی نقش زنان در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی پرداخته است. در این چارچوب، روشن شد که زن، به‌عنوان بازیگری محوری در ساختار خانواده، فرهنگ و اجتماع، نقش تعیین‌کننده‌ای در مهار آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی ایفا می‌کند. از منظر دینی، آموزه‌های اسلامی نقشی فعال و مؤثر برای زن در عرصه‌های تربیت نسل، اصلاح اجتماعی و نظارت فرهنگی قائل‌اند. الگویی که قرآن و سیره نبوی از زنان ارائه می‌دهد، نه صرفاً در نقش تابع و منفعل، بلکه به‌عنوان عامل تربیت‌کننده، نظارت‌گر فرهنگی، حامی ارزش‌ها و کنشگر فعال اجتماعی است. بررسی الگویی زنان در قرآن و سنت نشان داد که شخصیت‌هایی همچون آسیه، مریم علیهما السلام، خدیجه کبری علیها السلام، فاطمه

1 Lawrence Kohlberg

2 James E. Marcia

زهرا عَلَيْهَا و زینب عَلَيْهَا و بسیاری دیگر از زنان مسلمان هر یک از زاویه‌ای خاص، تجلی‌گاه الگوهای مقاومت، تربیت، اصلاح‌گری، حمایت اجتماعی و پایداری معنوی‌اند. این شخصیت‌ها با بهره‌گیری از عقلانیت دینی، هویت مستقل، نقش اجتماعی فعال و تربیت نسل صالح، نقشی پیشگیرانه در برابر فساد، طغیان، ظلم و انحرافات ایفا کردند. این الگوها قابل بومی‌سازی در عصر حاضرند و می‌توانند مبنای سیاست‌گذاری تربیتی و فرهنگی باشند.

از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز روشن است که حضور زنان در نقش‌هایی چون مادر، معلم، مشاور، کنشگر فرهنگی و ناظر تربیتی، تأثیر عمیقی بر کاهش ناهنجاری‌هایی نظیر پرخاشگری، بزهکاری، اعتیاد، گسست هویتی، خشونت خانگی و طلاق دارد. نظریه‌های یادگیری اجتماعی، رشد روانی-اجتماعی، تعامل نمادین و توانمندسازی زنان، همگی نشان می‌دهند که سلامت اجتماعی ارتباط مستقیم با ارتقاء نقش تربیتی-اجتماعی زنان دارد. بازنمایی صحیح از زن مسلمان فعال، ترویج مهارت‌های مادری و تربیتی، ارتقاء سواد دینی و روان‌شناسی زنان، فراهم‌سازی بسترهای مشارکت اجتماعی آنان و اصلاح گفتمان سنتی در حوزه نقش زن، از الزامات حیاتی برای کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است.

از سوی دیگر، یافته‌های روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌شناسی خانواده نشان می‌دهند که خانواده سالم، مبتنی بر تربیت آگاهانه، آموزش مهارت‌های زندگی، مراقبت هیجانی و جامعه‌پذیری اصول‌مند، یکی از قوی‌ترین سپرها در برابر انواع آسیب‌های اجتماعی است. در این بستر، زنان و به‌ویژه مادران، با ایفای نقش‌هایی چون آموزش‌گر، مشاور، الگو، مراقب و پشتیبان، می‌توانند بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و اخلاقی فرزندان و در نهایت سلامت اجتماعی ایفا کنند. از حیث اجتماعی، زنان می‌توانند با حضور آگاهانه در عرصه‌هایی چون رسانه، آموزش، سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالیت‌های محله‌محور و تولید گفتمان فرهنگی، به کنشگرانی فعال در پیشگیری از ناهنجاری‌ها تبدیل شوند. نقش زن نه تنها در خانواده، بلکه در اجتماع به‌عنوان یک عامل اصلاح‌گر و الهام‌بخش برای جامعه، نیازمند تقویت نهادینه‌شده و بسترسازی ساختاری از سوی حاکمیت و نهادهای فرهنگی است. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که نگاه دینی و علمی هم‌راستا و مکمل یکدیگر بر این نکته تأکید دارند که بدون بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت تربیتی، فرهنگی و اجتماعی زنان، پیشگیری از گسترش آسیب‌ها در جامعه، ناقص و ناکارآمد خواهد بود. در پرتو آموزه‌های دینی، یافته‌های علوم انسانی و واقعیت‌های اجتماعی، روشن شد که زنان با ایفای نقش‌های چندبعدی در خانواده، فرهنگ و جامعه، یکی از اصلی‌ترین ارکان پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. توانمندسازی آگاهانه، بهره‌گیری از ظرفیت‌های دینی و علمی و فراهم‌سازی بسترهای مشارکت اجتماعی آنان، ضرورتی انکارناپذیر برای حرکت به سوی جامعه‌ای سالم، متعادل و اخلاق‌محور است. بی‌تردید، آینده جامعه در گرو سرمایه‌گذاری هدفمند بر نقش زنان در صیانت از ارزش‌ها، تربیت نسل و نهادینه‌سازی سلامت اجتماعی خواهد بود. با توجه به آنکه زنان در جامعه امروز ایران و جهان اسلام با چالش‌هایی همچون شکاف نقش‌ها، فشارهای چندگانه، ضعف در حمایت‌های نهادی و بازنمایی‌های کلیشه‌ای مواجه‌اند. پژوهش حاضر تأکید می‌کند که تنها با نهادینه‌سازی نگاه تمدنی به زن و بازخوانی ظرفیت‌های اسلامی در چارچوب نظریه‌های علمی، می‌توان به الگویی مؤثر در پیشگیری و اصلاح اجتماعی دست یافت. در نهایت، زنان نه تنها حافظان خانواده، بلکه نگهبانان مرزهای فرهنگی، هویتی و اخلاقی جامعه‌اند بلکه سرمایه‌گذاری علمی، تربیتی و ساختاری بر نقش آنان، یک راهبرد بنیادین در کاهش آسیب‌های اجتماعی و ساخت تمدن نوین اسلامی است. با توجه به یافته‌های مقاله، راهکارهای زیر به‌عنوان پیشنهادات عملی برای سیاست‌گذاران، نهادهای فرهنگی، آموزشی و خانواده‌ها مطرح می‌گردد:

- ✓ اجرای دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی، فرزندپروری، مدیریت هیجانات، تاب‌آوری و آموزش پیشگیری از آسیب‌ها ویژه مادران و زنان خانه‌دار.
- ✓ گنجاندن آموزش‌های روان‌شناسی خانواده در برنامه‌های فرهنگی مساجد، فرهنگسراها و مدارس.

- ✓ تولید برنامه‌های رسانه‌ای با محوریت زنان موفق، فعال اجتماعی، مادران تربیت‌گر و بانوان دین‌مدار که الگوهای مثبت اجتماعی ارائه می‌دهند.
- ✓ مقابله با بازنمایی‌های کلیشه‌ای و منفعل از زن در رسانه‌ها و ارائه تصویر زن پویا، فرهنگی و تأثیرگذار.
- ✓ افزایش حضور زنان متخصص در مدارس به‌عنوان مشاوران تربیتی، مددکاران اجتماعی و مشاوران خانواده.
- ✓ برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین درباره نقش مکمل زن و مرد در تربیت نسل و پیشگیری از آسیب‌ها.
- ✓ تدوین سیاست‌هایی برای حمایت از مادران شاغل در حفظ تعادل میان نقش‌های خانوادگی و اجتماعی‌شان.
- ✓ پشتیبانی از سازمان‌های مردم‌نهاد زن‌محور که در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند.
- ✓ طراحی برنامه‌هایی برای افزایش دانش دینی زنان با تأکید بر مفاهیمی چون امر به معروف، تربیت اخلاقی، کرامت انسانی و نظارت اجتماعی در اسلام.
- ✓ ترویج قرائتی پویا، عقلانی و اجتماعی از آموزه‌های دینی درباره نقش زن در اصلاح جامعه.

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آذر، ماهیار؛ و نوحی، سیما (۱۳۹۸). زن در اجتماع، نگاهی به چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوقی زنان ایرانی. تهران: انتشارات ارجمند.
- ۳- آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۳). نگرش‌های اسلامی در مطالعات زنان، تهران: انتشارات فهم.
- ۴- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۷۸). زنان دین‌گستر در تاریخ اسلام، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴.
- ۵- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۹). فلسفه و ساحت سخن. تهران: انتشارات هرمس.
- ۶- احمدوند، خلیل‌اله؛ و احمدی روزبه، امیر (۱۳۹۶). نقش زنان در جلوگیری از آسیب‌های فضای مجازی، اولین همایش ملی زنان، بازآفرینی شهری و توسعه پایدار.
- ۷- امید، احد؛ آقایدیزاده، لیلیا؛ و فیض زاده، صادق (۱۴۰۲). واکاوی نقش تربیتی زنان در محیط خانواده از منظر فرهنگ اسلامی با تأکید بر دیدگاه امامین انقلاب. نشریه روان‌شناسی فرهنگی زن، شماره ۵۸. doi:10.22034/jwcp.2023.709213
- ۸- امینی، ابراهیم (۱۳۸۷). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۹- نرگس باباخانی، هانیه؛ و بدیعی، سحر (۱۳۹۴). نقش زنان دانشگاهی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خانواده، نشریه پژوهش اجتماعی، ۷(۲۶).
- ۱۰- بامدی، نرگس (۱۳۹۴). نقش مادران در تربیت فرزندان برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، همایش ملی روانشناسی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی، چابهار.
- ۱۱- بانکی‌پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۸). زن و خانواده برگرفته از بیانات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۲- بانکی‌پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۶). عرصه‌های حضور اجتماعی زن برگرفته از بیانات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۳- بانکی‌پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۸). جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدید برگرفته از بیانات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۴- بانکی‌پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۷). الگوی زن برگرفته از بیانات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۵- بستان، حسین (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- ۱۶- بستان، حسین (۱۳۹۶). *خانواده در اسلام*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۷- بهمن پور، ساناز؛ و اکبرپور زنگلانی، محمدباقر (۱۳۹۹). نقش زنان در تعلیم و تربیت از منظر اسلام و قرآن، تهران: دومین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش.
- ۱۸- تهرانی، حسین (۱۳۹۳). *خصائص ام‌المؤمنین خدیجه الکبریٰ علیها السلام*، قم: انتشارات طوبای محبت.
- ۱۹- حرّ عاملی (۱۳۷۲). *وسائل الشیعه*، جلد بیستم، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- ۲۰- حسینی اکبرنژاد، هاله؛ و شوشتری، زهرا (۱۳۹۷). *زن در قرآن*، قم: دفتر نشر معارف.
- ۲۱- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *زن در آئینه جلال و جمال*. قم: نشر اسراء.
- ۲۲- دانشی جو، زهرا؛ دانشی جو، عبدالله؛ و بستانی، حمیده (۱۴۰۰). نقش زن در پیشگیری از انحرافات اخلاقی اجتماعی از منظر اسلام، اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم بهداشتی، روانشناسی، مدیریت و علوم تربیتی.
- ۲۳- دورکیم، امیل (۱۳۹۴). *درس‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه از سیدجمال‌الدین موسوی. تهران: نشر نی.
- ۲۴- رابینسون، جیمز؛ و مک‌کورمیک، دبور (۱۳۹۵). *راهنمای جامع بهداشت روانی و سلامت جسمانی*، ترجمه از شهلا پزشکی و ژانت هاشمی آذر، چاپ اول، تهران: انتشارات ارجمند.
- ۲۵- ربیع نتاج، سید علی‌اکبر؛ و روح اله زاده اندواری، عالیه (۱۳۸۹). حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و آیات، *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، شماره ۶.
- ۲۶- رضائی، سحر (۱۴۰۱). نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در آسیب‌های اجتماعی خانواده، سلامت و علوم رفتاری، همدان.
- ۲۷- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
- ۲۸- سید رضی، محمدبن حسین (۱۳۷۱). *نهج‌البلاغه*، ترجمه از علی نقی فیض‌الاسلام، تهران: انتشارات فیض‌الاسلام.
- ۲۹- سیمبر، رضا؛ و رضاپور، دانیال (۱۳۹۷). جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران. *فصلنامه زن و جامعه*. شماره ۳۴. **dor:20.1001.1.20088566.1397.9.34.6.2**
- ۳۰- شریعتمداری، علی (۱۳۸۴). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۱- شوشتری زاده، الهام؛ و کرمی پور، مصطفی (۱۴۰۲). تأثیر جایگاه تربیت مادر در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان. *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، شماره ۵۸.
- ۳۲- شیرازی، علی (۱۳۹۴). *زنان نمونه*. قم: بوستان کتاب.
- ۳۳- صالحی، شیوا؛ و دهقانی، مرضیه (۱۳۹۶). بررسی نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی نوجوانان. کنفرانس بین‌المللی فرهنگ آسیب‌شناسی روانی و تربیت.
- ۳۴- ضرغام حاجبی، نعیمه؛ و معصومی زواریانی، سمیرا (۱۳۹۸). نقش تربیتی زن در جامعه اسلامی، *روانشناسی فرهنگی زن*، شماره ۴۰.
- ۳۵- طاهری نیا، احمد (۱۳۸۵). *زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن*. فصلنامه معرفت، شماره ۱۵.
- ۳۶- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۲). *زن در قرآن*. قم: هاجر.
- ۳۷- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. تهران: دفتر نشر اسلامی.
- ۳۸- عباسی، زهرا (۱۳۹۹). *عاقلاًنه‌ترین انتخاب*. تهران: اندیشمندان جوان.
- ۳۹- عقیل، محسن (۱۳۹۸). *شرح رساله حقوق امام سجاد*. ترجمه از رضا جلیلی، تهران: لاهوت.
- ۴۰- علاسوند، فریبا (۱۳۹۶). *زن در اسلام*، قم: مرکز نشر هاجر.

- ۴۱- فرهادیان، فاطمه (۱۳۹۰). سلامت روانی در پرتو التزام عملی به آموزه‌های دینی، پیام زن.
- ۴۲- فرانزوی، استفن‌ال (۱۴۰۲). روانشناسی اجتماعی، ترجمه از مهرداد فیروزبخت، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی رسا.
- ۴۳- کرین، ویلیام (۱۴۰۰). روانشناسی رشد، ترجمه از غلامرضا خوی‌نژاد. تهران: رشد.
- ۴۴- گیدنز، آنتونی (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی، ترجمه از حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ۴۵- گیلیگان، کارول (۱۳۹۶). با صدایی متفاوت: نظریه روان‌شناختی و رشد زنان. ترجمه از مهرناز شهرآرای، تهران: تک‌رنگ.
- ۴۶- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- ۴۷- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
- ۴۸- ملکی، حسن (۱۴۰۰). روانشناسی خانواده. تهران: آوای نور.
- ۴۹- مؤمنی، فاطمه (۱۳۸۵). بانوان در تاریخ معاصر، زمانه، شماره ۴۸.
- ۵۰- نراقی، احمد (۱۳۸۳). معراج السعاده. تهران: انتشارات اسلامی.
- ۵۱- نوروزی، محمد؛ و جهانی جوانمرد، فاطمه (۱۳۹۷). بازشناسی تحلیلی نقش بانوان در ارتقای سلامت و بهداشت روانی خانواده با تأکید بر سبک زندگی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام. فصلنامه تربیت و بصیرت اسلامی. شماره ۴۴.
- ۵۲- نوروزی، فریبا (۱۳۹۸). ارائه راهکارهای پیشگیری و کاهش آسیب در زنان آسیب‌دیده اجتماعی با تأکید بر آموزش. مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی؛ ۲(۲).



The Role of Women in Preventing Deviant Behaviors in Society with an Islamic Approach

Zahra Abbasi^{1*}

1-Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Philosophy and Islamic Theology, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

zahraabasi51@yahoo.com

Abstract

The role of women in preventing the spread of deviant social behaviors is regarded as one of the fundamental components in promoting the cultural and moral well-being of society. The present study, conducted with the aim of examining the theoretical, historical, and practical dimensions of this role from the perspective of religious teachings, employed a qualitative, review-analytical method to analyze Islamic sources, previous studies, and propose practical strategies. At the outset, the concept of social deviance and the factors contributing to its emergence were clarified from the viewpoints of sociology, psychology, and religious studies. Subsequently, through the examination of religious foundations and concepts—such as the role of women in nurturing future generations, their social functions, and their position in Islam—the capacities of women in the prevention of social harms were analyzed. The review of domestic and international studies revealed that strengthening religious beliefs, family support, and the active social participation of women have a significant impact in reducing deviant behaviors such as violence, addiction, family disintegration, and youth identity crises. Furthermore, by investigating exemplary figures from Islamic history such as Lady Fatimah, Lady Zaynab, and contemporary intellectual women, the effective agency of women in managing moral and social crises was underscored. In the final section, strategies were proposed on three levels—educational, cultural, and institutional—that may strengthen the role of women in curbing social deviance. The findings conclude that women, in the religious framework, are not only the cornerstone of family stability but also active agents of social transformation. Therefore, the purposeful utilization of women's intellectual, moral, and educational capacities offers an effective pathway in preventing the spread of social harms in society.

Keywords: Women, Social Deviance, Family and Socialization, Religious Education, Islamic Studies.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)